

## ابعاد تربیتی طهارت

نام استاد: حجت الاسلام ماندگاری

تاریخ: ۸۴/۹/۳ و ۸۴/۹/۱۰

مکان: کلاسهای آموزشی تربیتی کانون دانش آموختگان طرح ولایت استان تهران (طرح تمهید)

### مقدمه به مناسبت هفته بسیج

استاد بحث خود را با اشاره به امدادهای غیبی در دفاع مقدس آغاز کردند در زمان دفاع مقدس امدادهای غیبی را به اتفاقاتی می گفتند که در صحنه های دفاع مقدس به نفع رزمندگان اسلام تمام می شد. مثلاً خمپاره از طرف دشمن شلیک می شد، ولی منفجر نمی شد و آسیبی به رزمندگان اسلام نمی رسید. اما امروز متأسفانه چنین نیست. گاهی اوقات اگر کسی یک میلیون تومان به بازار ببرد و صد میلیون برگرداند، همه انگشت تعجب می گزند و می گویند تو بگو با چه فکری معامله کردی که چنین سودی کردی؟ واقعاً امداد غیبی می خواهد که ما بتوانیم از دنیای محدود خود، عاقبت نامحدود برداشت نماییم.

در تمام درگیریهای حق و باطل، از اول خلقت تاکنون، تجهیزات و نفرات باطل بیشتر بوده است، اما هیچ فکر کرده اید که چرا اهل حق پیروز شده اند؟ به خاطر این که خداوند به فکر اهل حق مدد کرده است.

شهید حسن باقری از زیباترین مصادیق این امدادهای غیبی است. روزهای اول جنگ، کسانی که در ارتش بودند و دوره های عالی جنگ را در دانشگاه های آمریکا گذرانده بودند در برابر جنگ زانو زدند و نتوانستند تدبیر کنند. اما شهید باقری با امدادهای غیبی توانست قفلهای جنگ را باز کند. لذا حرف این است که بالاترین برکات تفکر بسیجی این است که، فکر با برکت و فکر مدد یافته از ناحیه ذات اقدس حق و ائمه معصومین را از حضرت حق بخواهیم.

بزرگترین برکتی که می توانیم از حق و ائمه معصومین بخواهیم این است که بخواهیم فکر ما را الهی کنند. آیا از فرمان برای مدیریت و برنامه ریزی کارهای خودمان استفاده می کنیم؟ یا اینکه هر وقت دیگران برای ما برنامه ریزی کردند، آدم های خوبی می شویم و هر وقت برنامه ریزی نداشتیم، رها می شویم این خیلی بد است بالاترین تربیت این است که فرهنگ برنامه ریزی بر فرهنگ بطالت غلبه کند. از خداوند بخواهیم که آنقدر به فکر ما قوت بدهد که حتی یک ثانیه از عمرمان بیهوده نگذرد. اگر بلد باشیم از فرصت های خود خوب استفاده کنیم واقعاً بسیجی شده ایم. اگر همه امکانات مادی یا معنوی فراهم شود من در مبارزه پیروز شدم، کار مهمی نکرده ام. هنر آن است که با کمبود امکانات فکر من مدد پیدا کند و بهره بیشتر برده و پیروز شوم. (پایان مقدمه)

**اولین نکته در باب طهارت این است که انسان آلودگی پذیر است.** اصلاً طهارت وقتی مطرح می شود که آلودگی فرض شود سپس انسان آلودگی پذیر است. هر جا پذیرش آلودگی وجود داشته باشد، بحث طهارت هم مطرح می شود. همان طور که جسم و لباس انسان ممکن است آلوده شود، روح هم

آلودگی پذیر است. این نکته مهمی است. وقتی انسان بعد تربیتی را فهمید، برای تطهیر روح خود نیز اقدام می کند. هم لباس روح هم \_ لباس جسم، هم غذا روح \_ هم غذا جسم، هم نگاه چشم و هم نگاه دل هر دو ممکن است آلوده شود. چشم اگر غباری، خاری... در آن برود آلوده می شود. چشم دل هم اگر به صحنه زشتی نگاه کند، آلوده می شود. پس آلودگی دو بعد دارد ۱- جسمی ۲- روحی در نتیجه طهارت هم دو بعد دارد

۱- جسمی ۲- روحی

**(بعد اول تربیتی کتاب طهارت)** مردم الان نسبت به آلودگی جسم و لباس خود مقید هستند. مثلاً توصیه می کنند دستانتان را بشویید با دست آلوده غذا نخورید) این توصیه های بهداشتی خیلی خوب است. اما بهتر آن است که بهداشت جسم و بهداشت روح در کنار هم مطرح بشود. قطعاً بهداشت روح و روان از بهداشت جسم، واجب تر است.

پیامبر اکرم (ص) می فرماید «النظافه من الایمان» در تفسیر کلمه «من» در این حدیث فرموده اند که این به معنای این است که هرکس نظافت نداشته باشد یک تکه از ایمانش کم است. نه اینکه نظافت از دل ایمان می آید. بلکه بخشی از ایمان، رعایت نظافت است. مثل اینکه من بگویم (جلد کتاب) اگر جلد را از کتاب جدا کنیم، همه متوجه می شوند که این کتاب جلد ندارد. اگر نظافت نداشته باشیم ایمان من ناقص می شود سه نوع آلودگی جسمی وجود دارد.

۱- آلودگی صورت، که با آب و صابون پاک می شود. ۲- آلودگی جسم، که با کیسه حمام پاک می شود ۳- آلودگی پاشنه پا، که با سنگ پا شسته می شود.  
حال آلودگی های روح را هم به سه بخش می توان تقسیم کرد.

۱- گناهان لیفی ۲- گناهان کیسه ای ۳- گناهان سنگ پایی.

گناهان لیفی، گناهانی هستند که با استغفار و اشک ندامت پاک می شود. ۲- گناهان کیسه ای، گناهانی که برای پاک کردنشان باید زحمت کشید. «مثلاً یکسال نماز قضاء بخوانی.» ۳- گناهان سنگ پایی، گناهانی که باید بگذاری با آب داغ خیس بخورد، بعد با آب داغ به جان آن بیفتی و آن را پاک کنی. «مثل رعایت نکردن حق الناس که باید در این مورد بسیار حساس بود و دقت داشت.»

جالب است که شهید مطهری می فرماید: «ما اگر در مباحث روح و جسم، متوازن و متعادل نباشیم (حتی با الویت روح) رشد کاریکاتوری خواهیم داشت. کاریکاتورها معمولاً بخشی از جسمشان خیلی رشد کرده و بقیه کوچک مانده است.» بعضی از آدمها به طهارت جسمشان، خیلی اهمیت می دهند. پوست خودشان را می کنند تا خودشان را تمیز نگه دارند، اما متأسفانه به طهارت روح خود اهمیت نمی دهند. در کتاب طهارت می گوید «ما طهارت جسم را بر شما واجب کردیم چون آن را می بینید. اما اگر فهمیده باشید باید از طهارت جسم به طهارت روح متصل شوید» آلودگی یا طهارت روح از درجه بالاتری برخوردار است. خیلی چیزها در عالم به چشم سر دیده نمی شود، اما اولویت دارد. مثل روح، خدا... همچنان که اگر طهارت جسم را رعایت نکنیم بیمار می شویم و یا می میریم، اگر طهارت روح هم نداشته باشیم بیمار

می شویم. همان طور که برای طهارت جسم، مهمترین اصل، مواظبت است. در طهارت روح هم مهمترین اصل مراقبت است. مراقب باشیم که روح خود را آلوده نکنیم. برای پاک کردن جسم سه راه مطرح کرده اند.

۱- آب ۲- خاک ۳- آفتاب ۴- استحاله

در طهارت روح هم «توبه» مطرح شده است. توبه مثل پاک کننده آلودگی است. همچنان که آب به سه دسته ۱-قلیل ۲-مضاف ۳-مطلق (کر) تقسیم می شود. بعضی توبه قلیل دارند. آب قلیل را باید سه مرتبه بریزی، بعضی توبه مضاف دارند با چیزی مخلوط شده است. با توبه مضاف نمی شود روح را طهارت بخشید. بعضی توبه مطلق یا کر دارند. کامل است، یعنی شامل همه بدن می شود. انسان می تواند با آن به پاکی برسد. بعضی روایات نماز را به آب رودخانه تشبیه کرده اند و گفته اند. نماز رودخانه ای است که هرکس پنج بار در شبانه روز خود را در آن شستشو دهد آلوده نمی شود. حتی توسل، استغفار، غسل، وضو و تیمم و نماز و عبادات به عنوان آب معرفی شده اند. چنان که راه رفتن در خاک آلودگی را از بین می برد و عین نجاست را از بین می برد. حرکت کردن در مسیر اصلاح و جبران هم آلودگی های جسمی را از بین می برد. هفت قدم، راه رفتن در خاک آلودگی پا را از بین می برد. در طهارت روح هم میتوان چنین گفت: اگر اسم های تکراری را از اسامی اهل بیت، حذف کنیم، هفت اسم باقی می ماند. یعنی اینکه اگر به امامان معصوم وصل شویم و در راهی که آنها قدم گذاشته اند، قدم بگذاریم، امید آن وجود دارد که روح ما پاک گردد. «آفتاب» در بحث طهارت روح «شفاعت اهل بیت» است. یعنی آنقدر بر روح ما میتابد که آلودگی های ما از بین می برد. یک نفر خدمت حضرت رسول آمد و گفت: من گناه می کنم. پیامبر به او فرمودند: خوب گناه نکن. گفت: نمی توانم. و پیامبر او را در آغوش گرفتند و گفتند: «خدایا به حق حبیب قسم، لذت گناه را از او بگیر و وجود او را پاک کن.» شما هم وقتی به حرم اهل بیت می روید، از او بخواهید که شما را در آغوش بگیرد تا لذت گناه از شما گرفته شود. نگاه آفتاب گونه اهل بیت، عنصر وجودی انسان را عوض می کند.

انقلاب و استحاله:

استحاله را می توان به دو صورت تعبیر کرد. اول اینکه حقیقتاً انسان در این دنیا، چیز دیگری می شود. به طوری که همه بگویند: این آدم، آدم قبلی نیست. (مثل چوب نجس که بر اثر سوزاندن به خاکستر پاک تبدیل می شود) همه انسانها در نهایت به بهشت می روند. اما شرط ورود به بهشت طهارت است. همه انسانها پاک متولد می شوند. بعضی تا آخر عمر پاک می مانند. مثل اهل بیت که معصوم هستند. بعضی موقع مرگ توبه می کنند و پاک از دنیا می روند. «التائب من الذنب کمن لا ذنب له» بعضی انسانها هم اول به جهنم می روند، گناهانشان که سوخت و پاک شدند به بهشت می روند. (کمترین مدت اقامت در بهشت ۳۰۰ سال است) به بعضی ها وقتی می گویی بیا برویم پای موعظه فلانی، می گویند من که بیکار نیستم. \_ آیا انسان هر وقت بیکار است، به حمام می رود؟

پس اسباب طهارت روح عبارت است از : « توبه ، استغفار ، ولایت ، توسل و تلاش . » اگر به اینها توجه کنیم به بحث طهارت توجه کرده ایم البته به این نکته توجه داشته باشیم . که بالاخره بین کسی که هرگز گناه نکرده ، با کسی که با توبه پاک شده تفاوت است . بالاخره خدا می داند ما گناه کرده ایم و توبه کرده و پاک شده ایم . حسرت می خوریم روز قیامت که یوم الحسرت است ، « حسرت » انسان را می کشد . حتی اقتضای فضل خدا این است که بین این دو دسته تفاوت وجود داشته باشد . حتی در طهارت هم چنین است . همانطور که در طهارت جسم « احتیاط » را رعایت می کنیم و بیشتر پاک می شویم ، در طهارت روح نیز باید « رد مظالم » کنیم صدقه بدهیم .

امام در رساله نوین خود ، جمله زیبایی به انسانهای وسواسی می گوید . ایشان می فرمایند : ( ای کسی که دو بار ، وضومی گیری و می گویی « به دلَم نشت » آیا شده دو بار خمس بدهی و بگویی به دلَم نچسبید ؟ چطور دو سه مرتبه دستهایت را می شویی ، اما بر اعمال عبادی خود توجه نداری ؟ ) همه مباحث طهارت جسم را در طهارت روح هم داریم . مقدمات ، لوازم ، ابعاد ، پاک کننده ها ، هزینه ها ... دعا های هنگام وضو ، برای طهارت روح است ، در ظاهر وضو می گیریم و دست و روی خود را می شویم ( طهارت جسمی ) اما با ذکر گفتن روح خود را تطهیر می کنیم . بحث دیگر طهارت ، طهارتی است که باید دور از چشم دیگران انجام دهیم . طهارت تخیلی . بعضی از طهارت های روح باید دور از چشم دیگران صورت گیرد . از بین بردن عین نجاست . پاک کردن عین نجاست باید در خلوت صورت گیرد . فردی خدمت حضرت علی (ع) رسید و گفت آقا من گناه کردم حضرت فرمود : « اشتباه می کنی ، تو گناه نکرده ای . » حضرت که نمی خواهند به او دروغ یاد بدهند بلکه می خواهند به او « حیا داشتن » را یاد دهند . یعنی در محضر خدا ، بی حیایی نکنید . یکبار گناهی کردی ، یکبار هم آن را بیان می کنی ؟ گفته اند در زندگی خصوصی مردم تجسس نکنید . یعنی دنبال کشف عیوب دیگران نباشید . در زمان امام خمینی <sup>(ع)</sup> پرونده های ناجوری را خدمت ایشان آوردند حضرت فرمودند : در پرونده ها را ببندید ، باز که می کنید ، بوی گند آن بلند می شود ، بگذارید مخفیانه به آن رسیدگی شود . چرا برای شهادت دادن رابطه نامشروع ، گفته اند چهار نفر شاهد لازم است ؟ برای اینکه کسی در زندگی دیگران دخالت نکند و همه فکر کنند بقیه پاک هستند . نجاستهای دیگران را علنی نکند . در طهارت ظاهری گفته اند تا ندیدی که نجس شد باید پاک حساب کنی . در طهارت باطنی هم حق نداریم به دیگران سوء ظن داشته باشیم . امیرالمومنین علی <sup>(ع)</sup> فرموده اند : « اگر دیدی سگی از خانه ای بیرون آمد در حالی که دور دهان او ماستی بود ، بعد به داخل خانه رفتی و دیدی ظرف ماست دست خورده ، حق نداری بگویی ماست نجس شده است . فردی در جمع نشسته بود . به این سخن حضرت اعتراض کرد . هر چه حضرت به او توضیح داد او نپذیرفت . چند روز از این جلسه گذشت . این مرد از کنار خرابه ای عبور می کرد . دید فردی در خرابه ، به روی شکم افتاده است . رفت داخل خرابه او را تکان داد و دید او را کشته اند . یک دفعه همه مردم جمع شدند و فکر کردند این مرد او را کشته است . و هر چه مرد توضیح داد ، مردم نپذیرفتند . او را برای قضاوت پیش حضرت علی <sup>(ع)</sup> بردند . تا

چشمش به حضرت خورد، دادزد. سگ ماست نخورده، سگ ماست نخورده... همچنان که در مورد جسم « اصل اصالت طهارت» را قبول داریم باید در مورد روح هم چنین باشد. متأسفانه حتی بسیاری از مردم متدین، دچار وسواس هستند. حتی در روایت داریم که حضرت علی<sup>(ع)</sup> هر موقع می خواستند به دستشویی بروند، مقداری آب به لباس خود می پاشیدند. مردم می پرسیدند: چرا اینطوری می کنید؟ می فرمودند: « برای اینکه وقتی بر گشتم، مردم نگویند نجاست به لباسش ترشح شده است.» در واقع حضرت می خواستند به ما درس بدهند که وسواس نداشته باشیم. در طهارت روح هم اصل بر اصالت خوب بودن دیگران است.